



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد

گروه آموزشی تاریخ

عنوان:

ایلات و عشایر مدافع استبداد صغیر

استاد راهنما:

دکتر عباس سرافرازی

استاد مشاور:

دکتر هادی وکیلی

نگارش:

محمد جواد حیدری

تابستان ۱۳۹۰

تعهد نامه

عنوان پایان نامه: ایلات و عشایر مدافع استبداد صغیر

اینجانب محمد جواد حیدری دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی زیر نظر استاد راهنما جناب آقای دکتر عباس سرافرازی متعهد می‌شوم:

- تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی در هیچ جا عرضه نشده است.
- کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی می‌باشد و مقالات مستخرج با نام دانشگاه فردوسی مشهد و یا «**Ferdowsi University of Mashhad**» به چاپ خواهد رسید.
- حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیرگذار بوده‌اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده یا بافتهای آنها استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ

امضای دانشجو

محمد جواد حیدری

همت‌م بدرقه‌ی راه کن ای طایر قدس

که درازست ره مقصود و من نوسفرم

تقدیم به:

پدر و مادر مهربان و همسر عزیزم که ارزشمندترین
سرمایه‌های زندگی‌م هستند.

سپاسگزاری:

بر خود لازم می‌دانم مراتب قدردانی و سپاسگزاری خود را از همه‌ی کسانی که در جریان نوشتن این رساله از ابتدا تا انتها مرا تشویق و یاری کرده‌اند بیان کنم. اگر این تشویق و کمک‌ها نبود قادر به ارائه‌ی رساله به شکل کنونی‌اش نبودم. بر خود فرض می‌دانم نخست از استاد ارزشمند و گرامی‌ام جناب دکتر عباس سرافرازی که مسئولیت راهنمایی رساله را پذیرفتند نام ببرم، علاوه بر کارهایی که در مورد راهنمایی رساله به صورت مشفقانه انجام دادند و رساله را مطالعه نموده و اشکالاتش را متذکر گردیدند اخلاق نیکو و طبع بلند ایشان و نگاهشان به مسائل مرا دلگرمی می‌بخشید و کار به سامان آمد. به سرانجام رسیدن رساله‌ی حاضر را مدیون راهنمایی‌های ایشان می‌دانم و از صمیم قلب از زحمات ایشان قدردانی و تشکر می‌کنم و از خداوند توفیقات روزافزون ایشان را درخواست می‌نمایم.

از جناب آقای دکتر هادی وکیلی که با دلسوزی مسوولیت مشاوره رساله را برعهده گرفتند و با توجه به کمی وقت با دقت متن رساله را خواندند و اشکالات آن را متذکر گردیدند سپاسگزاری می‌نمایم.

از اینکه کوتاهی نمودم و از محضر استادان عزیز گروه تاریخ بی بهره ماندم خود را متضرر می‌بینم و عذر تقصیر به محضر آن عزیزان می‌برم، امید که در فرصت‌های آتی به خواست خدا جبران مافات کنم. از تلاش‌های بی وقفه اساتید گرامی گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد که در این مدت از محضرشان درس انسانیت آموختم نهایت سپاس را دارم و برای این عزیزان آرزوی بهروزی، موفقیت و سربلندی از خدای متعال خواستارم.

از مسوولان و کارکنان کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی، کتابخانه‌ی مرکزی، دانشکده ادبیات و دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی که بی مضایقه همکاری کردند سپاسگزاری می‌نمایم.

در نهایت از همسرم که در طول نوشتن این رساله همواره حامی و مشوقم بود تشکر می‌نمایم.

چکیده:

بخش مهمی از تاریخ سیاسی ایران با زندگی ایلی و عشایری عجین شده است. بسیاری از خاندان‌های حکومت‌گر و سلسله‌ها از ایلات و عشایر برخاسته‌اند. تاریخ ایران را می‌توان تاریخ نقش‌آفرینی هزاران ایل و عشیره در زمینه‌ها و ابعاد مختلف دانست. مطالعه و بررسی در تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی و اقتصادی این مرز و بوم ما را به این نکته‌ی مهم رهنمون می‌کند که ایلات و عشایر دارای مجموعه‌ای از نقش‌ها و کارکردهای مثبت و منفی با توجه به شرایط جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی ایران بوده‌اند. در زمینه‌ی سیاسی باید گفت ایلات و عشایر ایران در تاریخ تحولات سیاسی ایران تا آغاز سده‌ی بیستم میلادی همیشه وزنه‌ی سنگین و در واقع تعیین‌کننده‌ای بودند. در جریان واقعه‌ی استبداد صغیر بار دیگر نقش سیاسی و نظامی عشایر ایران در طرفداری و مخالفت با این رویداد به چشم می‌آید. سوال مهم اینجاست که کدامیک از ایلات و عشایر ایران و با چه نیت و دلیلی جانب استبداد و محمد علی شاه را گرفتند. با توجه به اینکه تاکنون به نقش ایلات و عشایر در حمایت از استبداد صغیر کمتر پرداخته شده در رساله‌ی حاضر سعی شده است ضمن شناسایی ایلات و عشایر مدافع استبداد صغیر و نیز بیان دلایل حمایت و همراهی آنان با حکومت قاجار مطالبی نیز در مورد دیگر حامیان داخلی و خارجی استبداد بیان شود.

کلید واژه‌ها: ایلات- عشایر- استبداد صغیر- مشروطه - محمد علی شاه قاجار.

فهرست موضوعی

صفحه	عنوان
۹	- مقدمه.....
۱۴	فصل اول: ساختار حکومت ایران عصر قاجار.....
۱۵	- تشکیلات حکومت.....
۱۶	- قدرت شاه قاجار.....
۱۷	- دربار در زمان قاجار.....
۱۷	- ویژگیهای حکومت قاجار.....
۲۰	- واژه مشروطه.....
۲۲	- مردم و مشروطه.....
۲۲	- واژه استبداد.....
۲۳	- جنبش مشروطه.....
۲۷	- ویژگیهای روانی و اخلاقی محمد علی شاه.....
۲۹	- محمد علی شاه و مجلس اول.....
۳۴	فصل دوم: جامعه شناسی ایلات و عشایر ایران.....
۳۵	- واژه و منشاء ایل.....
۳۶	- پیشینه تاریخی ایلات و عشایر ایران.....
۳۹	- بررسی جامعه شناختی عشایر ایران.....

- ۴۱ سازمان اجتماعی ایلات و عشایر.....
- ۴۱ سازمان سیاسی ایلات و عشایر.....
- ۴۳ ساختار اداری ایلات و عشایر.....
- ۴۳ اهمیت فرهنگی عشایر
- ۴۴ انگیزه سیاسی عشایر برای دست یافتن به قدرت سیاسی.....
- ۴۷ روابط متقابل ایلات و عشایر با دولت ایران.....
- ۵۳ پراکندگی سیاسی ایلات و عشایر ایران.....
- ۵۶ فصل سوم: ایلات و عشایر مدافع استبداد صغیر.....
- ۵۷ اوضاع ایالات ایران مقارن استبداد صغیر.....
- ۶۱ بررسی حامیان عشایری محمد علی شاه.....
- ۶۱ موضع ایلات و عشایر ترک در انقلاب مشروطه.....
- ۶۱ ایل قشقایی.....
- ۷۱ ایل شاهسون.....
- ۷۷ موضع ایلات و عشایر ترکمن در انقلاب مشروطه.....
- ۸۱ نقش ایلات و عشایر ترکمن در بازگشت محمد علی شاه به ایران.....
- ۸۵ دلایل حمایت ایلات و عشایر ترکمن از محمد علی شاه.....
- ۸۶ موضع ایلات و عشایر کرد در انقلاب مشروطه.....
- ۸۹ سالارالدوله و بهره گیری از قدرت عشایر کرد.....
- ۹۴ کردهای ماکو.....
- ۹۵ کردهای خراسان.....

- دلایل حمایت کردها از استبداد صغیر..... ۹۶
- موقعیت تجار کرد ساوجبلاغ مکری مقارن انقلاب مشروطیت..... ۹۸
- مواضع روسای ایلات و عشایر کرد در قبال انقلاب مشروطیت..... ۹۹
- اوضاع سیاسی مناطق کردنشین مرکزی در انقلاب مشروطیت..... ۱۰۱
- اوضاع سیاسی مناطق کردنشین جنوبی در انقلاب مشروطیت..... ۱۰۲
- موضع ایلات و عشایر لر در انقلاب مشروطه..... ۱۰۳
- ایل بختیاری..... ۱۰۳
- نقش انگلیس در موضع گیری ایل بختیاری در جنبش مشروطه..... ۱۰۷
- محمد علی شاه و بهره گیری از قدرت عشایر بختیاری..... ۱۰۸
- دلایل حمایت ایل بختیاری از مشروطیت..... ۱۱۱
- دلایل حمایت ایل بختیاری از استبداد صغیر..... ۱۱۲
- موضع ایلات و عشایر بلوچ در انقلاب مشروطه..... ۱۱۳
- موضع ایلات و عشایر عرب در انقلاب مشروطه..... ۱۱۵
- نقش قزاقها در موضع گیری ایلات و عشایر در انقلاب مشروطه..... ۱۱۷
- نتیجه..... ۱۲۰
- کتاب نامه..... ۱۲۵

مقدمه:

رساله‌ی حاضر پیرامون نقش و عملکرد ایلات و عشایر مدافع استبداد صغیر در برهه‌ی مهم و حساس سال‌های انقلاب مشروطه‌ی ایران می‌باشد. در اهمیت موضوع برگزیده جای شکی نیست. تاریخ گستره‌ای دارد که همچون اقیانوس بی‌کرانه به نظر می‌رسد و درک آن نیز نیازمند ملزوماتی است. شناخت تاریخ ایران از بعد عمقی همین‌گونه تحقیقاتی است که با تمام کاستی‌هایش صورت می‌پذیرد و به افراد این فرصت را می‌دهد که با مطالعه منابع به بازآفرینی حوادث گذشته بپردازند. موضوع رساله‌ی حاضر از مهم‌ترین برهه‌های تاریخ معاصر ایران است و می‌توان آن را چهار راه تاریخ معاصر ایران نامید. سلسله‌ی قاجار به پایان عمر خود نزدیک می‌شود، زمینه‌های برآمدن سلسله‌ی پهلوی به سرعت فراهم می‌گردد، نفوذ قدرت‌های خارجی به اوج خود می‌رسد و جامعه‌ی ایرانی در حضيض انحطاط قرار می‌گیرد.

تاریخ گذشته‌ی ایران به خصوص پس از غلبه‌ی ترکان غز که نام سلسله‌ی خود را از نیای بزرگشان سلجوق گرفته بودند پیوسته با تاریخ ایلات درهم آمیخته است. پس از فروپاشی سامانیان حاکمیت ترکان غزنوی آغاز می‌گردد. سیستم اداری غزنویان برآمده از درون دیوان سالاری سامانی بود تا حدودی با فرهنگ ایرانی آشنایی داشته‌اند. با این وجود مشاغل دیوان سالاری در دست ایرانیان که اهل قلم و آشنا به امور اداری بودند قرار داشت. تمام سلسله‌های بعدی کاملاً ساختاری قبیله‌ای داشتند. بدین ترتیب یکی از ویژگی‌های عمده‌ی حکومت‌های ایران بعد از اسلام همان خصیصه‌ی قبیله‌ای آن‌ها است. این مسئله ضرورت شناخت ایلات را که کم و بیش از لحاظ ساختاری و عملکردی با هم شباهت دارند را روشن می‌کند. شناخت تاریخ ایران بدون شناخت ایلات و عشایر اگر نگوئیم غیر ممکن دست کم دشوار است. از این گذشته قبایل و ایلات متعدد که گاهی طبقه‌ی حاکم را شکل می‌دادند و گاهی در حاشیه به سر می‌بردند به شدت در حوادث اجتماع ایران تأثیرگذار بودند. نمونه‌ی بارز این تأثیرگذاری را می‌توان در به قدرت رسیدن خاندان صفوی مشاهده کرد. قبایل ترک قزلباش با ایجاد اتحادیه‌ای موفق به استقرار حاکمیت نوادگان «شیخ صفی» می‌گردند و بدین ترتیب در حاکمیت جدید خود را محق می‌دانستند و در دفاع از این حق به نزاع و جدال با سایر قبایل می‌پرداختند. قبایل ترک حامی حکومت صفویه بعد از استقرار همچنان در ارتباط با شاهان صفوی باقی ماندند. آنان به منزله‌ی ماشین جنگی حکومت صفویه عمل می‌کردند و اهمیت آن‌ها تا بدان جا رسید که خود تهدیدی برای حکومت صفویه شدند. پس لازم بود به نوعی قدرتشان مهار گردد، شمشیر از دست آنان

گرفته و به گرجیان و چرکسها سپرده شد و برای جلوگیری از ائتلاف احتمالی قبایل، آنان را به جاهای دیگر کوچاندند. نکته‌ی جالب اینجاست که همان گونه که ظهور صفویه توسط ایلات صورت گرفت افول آن نیز توسط گروهی غلزی انجام شد. پس از فروپاشی صفویه ایران صحنه‌ی تاخت و تاز قبایل گردید. نادر که رئیس ایل افشار بود برای مدتی ایران را آرام کرد و ایرانیان را از شر یاغیان رهایی بخشید اما دیری نپایید که خود بلای جان مردم گردید. با کشته شدن نادر بار دیگر ایلات هرکدام داعیه حکومت داشتند و به جدال با مدعی پرداختند. کریم خان زند گوی سبقت از حریفان ربود و برای مدتی آرامش را حاکم نمود، هرچند که در صفحات جنوبی ایران پس از مرگ وی جنگ‌های قبیله‌ای و ناامنی حاکم گردید. خاندان زند گرفتار جنگ‌های خانگی شدند و این فرصت را به آقا محمد خان قاجار دادند تا بعد از تحکیم پایه‌های قدرتش در شمال به سوی جنوب پیشروی نماید و رقیب را از صحنه خارج کند.

با شروع حکومت قاجار اوضاع پیچیده‌تر گشت. به نظر می‌رسید پس از جنگ‌های ایران و روسیه، ایلات نفوذ و قدرت خود را از دست داده‌اند و جای آنان را دولت مردان آشنا به سیاست گرفته‌اند، اما حادثه‌ی استبداد صغیر و فتح تهران که توسط ایلات بختیاری صورت گرفت و قیام گیلان و آمادگی سایر گروه‌های قبیله‌ای برای براندازی استبداد محمد علی شاه و نیز همراهی و طرفداری ایلات و عشایری که برای دفاع از حکومت استبدادی در کنار وی ماندند نشان داد هنوز ایلات به عنوان عامل تعیین کننده در صحنه‌ی سیاسی حضور دارند و این اقتدار را تا دوره‌ی رضا خان حفظ کردند.

نهضت مشروطه‌ی ایران جنبشی بود ملی و مردمی که بر اثر سال‌ها نابسامانی و ناامنی و فشار و فقر و محرومیت توده‌های ضعیف و نیز در برابر فساد و حکومت و خودکامگی و آزمندی بسیاری از حکمرانان دوران استبداد در تهران و شهرستان‌ها پدید آمد و با رهبری و مبارزه‌ی پیگیر شماری از پیشوایان مذهبی و آزادی خواهان راستین به خصوص در تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و رشت شکل گرفت. یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی که در این برهه‌ی زمانی نقش مهمی ایفا کردند ایلات و عشایر بودند. از آنجا که ایلات و عشایر مهم‌ترین نیروی جنگی در این زمان محسوب می‌شدند رهبران مشروطه و محمدعلی شاه تمام سعی خود را می‌کردند تا از این نیروی قوی برای پیروزی بر جناح مخالف بهره بگیرند. ایلات و عشایر در طرفداری و مخالفت با مشروطه دلایل متعددی داشتند که به طور مفصل به آن پرداخته خواهد شد.

این کار بر آن است که به شرح سؤال‌های ذیل وتبیین و تشریح هر یک از آنها در این کار بپردازد:

۱- دلایل حمایت ایلات و عشایر از جریان استبداد صغیر چه بود؟

۲- پیامد حمایت دوسویه محمد علی شاه و ایلات و عشایر از یکدیگر چگونه بود؟

۳- سرانجام ایلات و عشایر حامی جریان استبداد صغیر به کجا انجامید؟

فرضیاتی که برای این کار بیان شده است عبارت‌اند از:

- دلایل حمایت ایلات و عشایر از محمد علی شاه اختلافات قومی میان ایلات بوده است.

- سیاست تفرقه‌انگیزی میان ایلات و عشایر توسط شاهان قاجار از آغاز تا پایان سلسله از جمله دلایل حمایت گروهی از ایلات و عشایر از جریان استبداد صغیر بود.

- سیاستهای روسیه و انگلیس در موضع‌گیری ایلات و عشایر نسبت به استبداد صغیر نقش به‌سزایی داشته است.

علت انتخاب موضوع: اهمیت استبداد صغیر و نزدیکی این حادثه به زمان کنونی ما باعث علاقه‌مندی پژوهشگر به مطالعه درباره‌ی استبداد صغیر شد، لذا از مدت‌ها پیش مطالعه در این زمینه آغاز گردید. نقش ایلات و عشایر در حمایت از محمد علی شاه و نیز دلایل حمایت این گروه از استبداد صغیر موضوعی بود که اهمیت داشت. از آنجا که تا امروز تحقیق و بررسی دقیق و مفصلی درباره‌ی این موضوع نشده بود کوشش شده است به این خلاء تاریخی نیز توجه گردد.

روش کار: در مورد این پژوهش روش کار به این صورت بود که طبق معمول ابتدا به شناسایی منابع و فراهم آوردن آنها پرداخته شده است، سپس کار مطالعه و فیش برداری انجام گرفت و در نهایت نوشتن فصل‌ها اقدام گردید. پژوهش حاضر با استفاده از منابع دست اول و تحقیقات جدید، با شیوه‌ی تاریخی- کتابخانه‌ای به نگارش درآمده است. در برداشت از منابع و مآخذ کوشش شده است که آراء و نظریات مختلف را ذکر نموده و ضمن مقایسه‌ی آنها تلاش شده است که از قضاوت صریح و بی‌مورد اجتناب شود.

پژوهش حاضر در سه فصل تهیه و تنظیم شده است. در **فصل اول** سعی شده که کلیاتی درباره‌ی ساختار حکومت قاجار و ویژگی‌های آن ذکر شود تا مقدمه‌ای برای ورود به بحث باشد، چرا که

پرداختن به مسئله‌ی استبداد صغیر بدون شناخت ویژگی‌ها و روش حکومتی شاهان قاجار کمی مشکل به نظر می‌رسد. تعریف واژه‌های مشروطه و استبداد و نیز پرداختن به جنبش مشروطه به صورت مختصر و نیز برخورد محمد علی شاه با مجلس از دیگر مطالبی است که در این فصل به آن اشاره شده است.

فصل دوم اختصاص به تعاریف واژه‌های ایل و عشیره و نیز مسائل جامعه‌شناسی ایلات و عشایر ایران دارد. در این قسمت سعی شد تا علاوه بر شناسایی سازمان ایلات و عشایر مطالبی در مورد پیشینه‌ی تاریخی ایلات و عشایر گنجانده شود تا ذهن خواننده برای ورود به بحث اصلی آماده شود. انگیزه‌ی سیاسی عشایر برای دست یافتن به قدرت سیاسی، روابط میان دولت و ایلات و نیز پراکندگی سیاسی ایلات و عشایر ایران موضوعاتی است که در ادامه این فصل به آن پرداخته شده است.

مهم‌ترین و اصلی‌ترین قسمت این پژوهش فصل سوم است که در آن ابتدا اوضاع ایلات ایران مقارن استبداد صغیر بررسی شده است. در این فصل سعی گردید برای شناسایی ایلات و عشایر مدافع استبداد صغیر قومیت‌های مختلف معرفی شود و ایلات و عشایر مدافع استبداد صغیر را در داخل قومیت مورد نظر معرفی و دلایل حمایت آن‌ها از محمد علی شاه را بیان کنیم. در این قسمت سعی شد در کنار پرداختن به ایلات و عشایر طرفدار استبداد نام اشخاصی را که در مخالفت با مشروطیت دست به اقداماتی زدند نیز آورده شود. در پایان بر اساس مطالب ذکر شده در این پژوهش نتیجه‌گیری انجام گرفت.

در انتها باید چند نکته را در مورد این پژوهش یادآوری نمود: ۱- در پژوهش حاضر، سال‌ها به دو شکل آمده است. سال‌ها تا قبل از ۱۳۰۰ه.ش / ۱۹۲۰م به دو صورت "هجری قمری" و "میلادی" ذکر شده است و از این سال به بعد چنانکه در متون تاریخی رایج شده، سال‌ها در این کار به تبعیت از سایر آثار به دو صورت "هجری شمسی" و "میلادی" ذکر گردیده است. ۲- از آنجا که در ادوار قبلی استفاده از علائم نگارشی و ویرایشی چندان متداول نبوده، سعی شده در مواقعی که ضرورت ایجاب می‌نمود و برای هر چه بهتر خواننده شدن متن، این علائم به متن حاضر افزوده گردد. ۳- در این کار سعی شده تا آنجا که ممکن است در رسم الخط منابع دسته اول هیچ نوع تغییری صورت نگیرد، مگر آنکه در پاره‌ای از مواقع آن هم به ندرت که خواندن متن به دلیل اتصال بیش از حد حروف و تفاوت آن با نثر کنونی بسیار دشوار می‌گردد. ۴- در متن حاضر هر

کجا اشتباه در متون دست اول - چه به لحاظ املائی و چه به لحاظ محتوی- مشاهده گردید،
اصلاح گردیده است.

فصل اول:

ساختار حکومت ایران عصر قاجار

تشکیلات حکومت

در فلسفه سیاسی ایران سلطنت مظهر حاکمیت و عین دولت به معنی دقیق کلمه بود. یعنی عالی‌ترین قدرت هیأت اجتماع و حاکم بر تمام فعالیت‌های جامعه و حکومت یعنی دستگاه اجرایی دولت در مقام صدارت متمرکز بود. تمیز میان اختیار دولت (سلطنت) و قدرت حکومت (صدارت) تنها مطلب نظری نیست، مفهوم تحقق عینی دارد. اختیار فائقه تعلق به سلطنت داشت و ثابت بود، قدرت صدارت ذاتاً محدود بود و تغییر پذیر، به عبارت دیگر منشأ قدرت صدارت همان سلطنت بود و صدر اعظم مجری اراده پادشاه و فقط نسبت به آن مقام مسئولیت داشت (آدمیت، ۱۳۸۴: ۶۵۲).

گذشته از سلطنت و صدارت که یکی قدرت سیاست را می‌ساخت و دیگری اداره سیاست در دستش بود، چند عامل دیگر قدرت نیز وجود داشتند: یکی نیروی روحانیت بود که در سیاست موثر بود و گاه دخل و تصرف مستقیم می‌کرد. عامل دیگر قدرت را هیأت مجموع شاهزادگان و درباریان و اندرون شاه می‌ساختند که رویهم رفته آن‌را دستگاه دربار گویند. از دیگر عوامل قدرت که با توجه به سیستم جامعه ما نقش مهمی در ایفای قدرت دارند روسای ایلات هستند که در جای خود مفصل در مورد آن بحث خواهد شد. بر عواملی که ساخته و پرورده تاریخ و فرهنگ جامعه بودند عامل قدرت دیگری را نیز باید افزود و آن سیاست خارجی است. البته در اصل این عنصری عرضی بود اما به هر حال جامعه‌ای در وضع اقتصادی و سیاسی ایران به طور قطع نمی‌توانست از نفوذ استعمار مصون بماند (همان: ۶۵۲). با توجه به این مراکز قدرت اگر بخواهیم

اوضاع جامعه ایران دوران قاجار را بررسی کنیم ذکر این جمله ویکتور برار الزامی است وی در کتاب انقلابات ایران می نویسد:

«... ایران نه یک دولت است، نه یک ملت، بلکه ترکیبی است شگفت انگیز از هرج و مرج و خودسری فئودالی و مقررات و اصول مالی متمرکز، آمیزه‌ای ناپایدار از قبایل و عشایر خانه به دوش و کشاورزانی که به زحمت روی زمین مستقر شده‌اند، اتحادیه‌ای بر مبنای سلطنت مطلقه و یا به عبارت صحیح‌تر جماعت پیروان و رزمی سلطان» (برار، ۱۳۵۵: ۱۴).

به طور کلی همه طبقات جامعه صرف نظر از تفاوت‌های بارزی که در ثروت و منزلتشان وجود داشت در نهایت فرمانبردار بودند. هیچ گونه رابطه حقوقی و تعهدات قراردادی پایدار بین طبقات مختلف دولت و مردم وجود نداشت. البته وظایفی بود که اگر دولت دائماً از انجام دادن آن غافل می‌شد سرانجام به سقوطش منجر می‌شد، اما به همین دلیل این وظایف بر طبق هیچ تعهد قراردادی یا قانونی انجام نمی‌پذیرفت. انجام دادن این وظایف تنها به منظور حفظ دولت در قدرت بود (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۵۸ و ۵۷).

قدرت شاه قاجار

نظام حکومتی قاجار دنباله سلطنت استبدادی دوران گذشته بود و دارای همان ماهیت و خصوصیتی بود که با مختصر تفاوتی در دوره‌های مختلف ایران در رژیم سلطنت این کشور به چشم می‌خورد. شاه ظل الله و قبله عالم و مالک جان و مال و ناموس رعایا محسوب می‌شد (ورهرام، ۱۳۶۷: ۸۳). سرپرسی سایکس درباره قدرت شاه قاجار می‌نویسد:

«پادشاه ایران دیکتاتور مطلق العنان بوده است. این قول که قانون مادیها و پارسی‌ها متغیر است به این عقیده سلطنت مطلقه یا دیکتاتوری در دوره هخامنشیان گواهی داده و القاب پراز غرور بلکه نخوت آمیز عقیده و فکر ایرانی را نسبت به مقام پادشاه از قرن‌های گذشته صورت یک بارث^۱ گذاشته شده در نظر مجسم می‌نماید. شخص شاه دارای سه وظیفه حکمرانی بود که عبارت بود از تقنینی، اجرایی و قضایی. پادشاه محوری بود که تمام ماشین زندگی عموم مردم روی آن گردش می‌کرد. مسئله تعیین محدودیت‌هایی که شاه تابع آن باشد به طور صحیح صعب و مشکل است. وصول مالیات‌ها، اعطای امتیازات و تقدیم هدایا و تحف تماماً به سود پادشاه و درباریان او بود که اسراف و تبذیر آنان ایران را فقیر نموده بود. از طرف دیگر سلطان

^۱ - خاور شناس آلمانی

برای خاطر شخص خود مجبور بوده که ارتشی را برای حفاظت تاج و تخت سلطنت تشکیل دهد.» (سایکس، ۱۳۶۳: ۵۴۷).

دربار در زمان قاجار

دربار یا در خانه در زمان آقا محمد خان قاجار عبارت بود از مجموعه شاه و صدراعظم و عده بسیار معدودی نویسنده و منشی، اما به همان نسبت که مرور زمان در افزایش قدرت و اختیارات سلطنت تأثیر بخشید و به همان نسبت که بر تعداد شاهزادگان افزوده شد، شکوه و جلال و تفصیل دربار تهران و دربارهای شاهزادگان در شهرستانها نیز افزایش یافت و در حد خود رو به کمال رفت. درباریان از صدر اعظم گرفته تا آبدار باشی و مأمور اصطبل شاهی خدمت در دربار را برای خود افتخاری بزرگ می‌شمردند و در نزد مردم کوچه و بازار انتصاب خود به دربار و شغل نوکری را وسیله نفاخر و احياناً زورگویی و گاهی وسیله تعدی و تجاوز قرار می‌دادند. در برابر خیل عظیم نوکران شاه که روز به روز بر جمعیت آنها افزوده می‌شد حرمسرای عجیب و افسانه‌ای پادشاه قاجار قرار داشت که مجموعه‌ای بود از زنان عقدی و صیغه و متعه^۲ و کنیزان و غلامان و خواجه سراها و بدیهی است که هر یک از زنان عقدی شاه پیشکار و مباشر و ناظر خرج و عده زیادی پیش خدمت و مستخدم و مستخدمه مخصوص به خود داشت و زنان دیگر نیز به همین ترتیب بر حسب شأن و مقام و درجه عزت و اعتبار خود نزد شاه از این گونه مزایا برخوردار بودند. در شهرستانها هر شاهزاده‌ای که حاکم ولایتی بود سعی می‌کرد به روش پدر تاجدار خود حرمسرا و دستگاه مفصل وابسته به آن داشته باشد تا مایه اعتبار او شود. دربار قاجار با آن شکوه و جلال کانون فساد و مرکز توطئه چینی و در حقیقت منبع و منشأ بسیاری از مفاسد آن عصر بوده است شواهد و دلایلی هست که نشان می‌دهد نه تنها شاهزادگان درجه اول و شاهزادگان درجه دوم (عموها و برادرزادگان سلطان) در عزل و نصبها و تقسیم مقامات کشوری و مناصب درباری دخیل و ذینفع بودند بلکه حرمسرای شاه نیز در بند و بستها و تغییرات دربار و حتی عزل و نصب بعضی از نوکران عالی رتبه شاه سهم به سزایی داشتند (شمیم، ۱۳۷۱: ۳۲۸ و ۳۲۷).

ویژگی‌های حکومت قاجار

۲- متعه: نوع خاصی از عقد نکاح است که در آن زن برای مدت معین در مقابل مهر معین به زوجیت مردی درآید.

حکومت قاجار هر چند مشابهت‌هایی با حکومت‌های ایران تا قبل از مشروطه داشته است اما از چند جهت با اکثر حکومت‌های گذشته بعد از اسلام تفاوت دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- پادشاهان قاجار از نژاد ترکمان بودند و به انتساب خود به مغول و تاتار افتخار می‌کردند. تمام تاریخ نویسان این عصر مانند اعتمادالسلطنه مؤلف کتاب **منتظم ناصری** و رضا قلی خان هدایت مؤلف **روضه الصفای ناصری**، لسان‌الملک سپهر نویسنده کتاب **ناسخ التواریخ** همگی در انتساب قاجاریه به قاجارنویان از شاهزادگان یا بزرگان درگاه هلاکو خان مغول موافقند و بر آن صحه گذاشته‌اند.

۲- علت این که قاجارها خود را به مغولان نسبت می‌دهند جهت مشروعیت است و علی‌رغم آنکه بسیاری از مورخان این نسبت را می‌پذیرند « نعمت الله قاضی » در کتاب **ایل قاجار** در پهنه تاریخ ایران این امر را رد می‌کند. وی می‌نویسد:

« وقتی آقا محمد خان قاجار به سلطنت رسید، خویشاوندان و بستگانش برای اینکه نسبت خود را به یک خاندان سلطنتی پیوسته گردانند و تحقیر دشمنان و معاندان خویش را جوابگو باشند، به جعل اخبار و تنظیم شجره‌نامه‌های دروغین پرداختند و اعلام داشتند که قجراز دودمان چنگیزخان مغول است و برای اینکه ساده‌دلان را فریب دهند، نخست خود را به تیموریان و در این رهگذر به ایلخانان مغول منسوب ساختند و سرانجام خود را بازمانده‌ی چنگیزخان معرفی کردند و بانگ افتخار برداشتند که ما از قرن‌ها پیش شاه و شاهزاده بوده‌ایم و حق تاریخی ما بوده است که به تشکیل یک سلسله سلطنتی بپردازیم و آن را سلسله قاجار بنامیم. » (قاضی، ۱۳۷۰: ۵۱)

وی این ادعای قاجارها را با ذکر مدرک و سند رد می‌کند و معتقد است که قجرها نه ازبکند و نه مغولی و نه ترکمن بلکه از ترکان غربی دریای خزر و از گروه ترکان ماوراء قفقاز و شاخه‌ای از قبیله بزرگ سالور هستند که به غلط خویش را « قجرونویان » نام داده و نژاد خود را به چنگیز خان مغول رسانده‌اند (همان: ۵۴).

۳- روش حکومت ترکان سلجوقی: پس از تسلط بر ایران روش حکومت سلجوقیان این بود که شاه پسران خود را به فرمانروایی یک ناحیه از متصرفات خویش می‌گماشت و قسمتی از اقتدارات خود را به پسرانش انتقال می‌داد و بدین ترتیب حکومت‌هایی در داخل کادر حکومت مرکزی به وجود می‌آمد. نظیر این روش حکومت را می‌توان نوعی از روش

حکومت چند نفری یا الیگارشی (oligarchie) نامید که در سلطنت قاجاریه نیز مشاهده می‌شود (شمیم، ۱۳۷۱: ۳۲۵).

از سلطنت فتحعلی شاه به بعد یعنی از حدود سال ۱۲۲۰ه.ق/۱۸۰۶م به بعد به تدریج فرمانروایی و حکمرانی ایالات و ولایات ایران به پسران شاه سپرده شد و طبعاً هر یک از فرزندان شاه با عنوان شاهزادگی، دستگاهی نظیر دستگاه سلطنت برای خود فراهم ساختند و دنباله این ماجرا تا انقلاب مشروطه ایران کشیده شد. به دنبال مرگ هر پادشاه عده زیادی شاهزاده یا بر سر کار حکومت و فرمانروایی و یا در انتظار وصول این مقام بودند، گاسپار دروویل که در زمان فتحعلی شاه از ایران دیدن کرده می‌نویسد:

« پسران شاه تا سن دوازده سالگی در حرمسرا به سر می‌بردند، آنگاه فرمان حکومت یکی از شهرها یا ایالات به نام آن‌ها صادر می‌شود و منطقه مزبور به تیول به آن‌ها داده می‌شود. تنها یکی از پسران فتحعلیشاه به نام میرزا محمود پس از رسیدن به سن بلوغ به حکومت منصوب نگردید (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۷۲ و ۱۷۱).

گذشته از کشمکشها و خونریزی‌ها و سرگردانی مردم که پس از مرگ هر پادشاهی بر سر جانشینی و کسب مقام سلطنت روی می‌داد، شاهزادگان قاجار با استفاده از عنوان و مقام و اختیاراتی که داشتند با استبدادی شدیدتر و جابانه تر از استبداد خود شاه بر مردم قلمرو فرمانروایی خود حکومت می‌کردند و در سراسر صفحات تاریخ دوره سلطنت ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه اعمال خودسرانه و تجاوزات و تعدیات اکثر شاهزادگان قاجار نسبت به جان و مال و ناموس مردم نقش بسته است. نتیجه این روش حکومتی که آن را به تعبیری می‌توان حکومت «ایلیاتی» یا «حکومت خانوادگی» نیز نامید چنین بود:

الف) در مرحله اول به گفته میرزا علی خان امین الدوله استقرار شاهزادگان در ایالات و ولایات بر استحکام مبانی سلطنت می‌افزود (امین الدوله، ۱۳۷۰: ۶).

ب) شاهزادگان به تفاوت مقام و درجه‌هایی که داشتند دستگاهی مرکب از وزیر و مستوفیان و نوکران یعنی کارمندان دولت، پیشکاران و عده زیادی مستخدم و فراش و امثال آنان برای خود ترتیب داده بودند و هزینه هنگفت این دستگاه‌ها ناچار از خزانه مملکت تأمین می‌شد و چون هر شاهزاده می‌کوشید تا در میدان رقابت و هم‌چشمی با شاهزادگان دیگر بر آنان سبقت جوید روز به روز به تفصیل دستگاه اداری شاهزادگان در ولایات افزوده و به همان نسبت هزینه بیشتری بر خزانه کشور تحمیل می‌شد (شمیم، ۱۳۷۱: ۳۲۶). لرد کرزن در *ایران و قضیه ایران* می‌نویسد که

فتحعلیشاه ۷۰۰ زن و ۶۴ پسر و ۱۲۵ دختر داشت (لردکرزن، ۱۳۴۹: ۵۳۸/۱)، این در حالی است که کلمنت مارکام اضافه می‌کند فتحعلیشاه در زمان فوت خود یک‌صد و پنجاه پسر و بیست نفر دختر اولاد داشته است (مارکام، ۱۳۶۷: ۳۵).

ج) پادشاهان قاجار به روش و سنت ایلخانان مغول و پادشاهان تیموری و تأسی به سلاطین صفویه رسم تیول بخشی را پیش گرفته برای تأمین خرج گزاف شاهزادگان و شاهزاده خانم‌ها، املاک و مزارع خالصه دولتی را به آنان می‌بخشیدند و بدین ترتیب شاهزادگان علاوه بر عنوان شاهزادگی دارای املاک مزروعی نیز می‌شدند و در ردیف ملاکین قرار می‌گرفتند و نفوذ معنوی را با قدرت مادی توأم ساختند (شمیم، ۱۳۷۱: ۳۲۷).

علاوه بر نکاتی که ذکر کردیم که باعث شناخت سیستم حکومتی ایران دوران قاجار می‌شد، در اینجا نکته‌ای که لازم است بیان نماییم اینست که سلاطین قاجار مانند سلاطین گذشته ایران همیشه سعی نموده‌اند خود را مشروع جلوه دهند. سرجان ملکم در این مورد می‌نویسد:

« سلاطین ایران همیشه ملاحظه ظاهر شریعت را کرده‌اند، به علت اینکه هیچ چیز به اقتدار سلطنت بیش از دانستن رعیت که پادشاه بی دین است ضرر نمی‌رساند. همیشه نماز را در ظاهر برپا می‌دارند و بعضی اوقات به مسجد می‌روند و هر وقت بتوانند به زیارت قبور یکی از اولیاء که در حدود مملکت مدفون است می‌روند و چون شیعه هستند، احترام تربت علی و اولادش را زیاد می‌دارند، نذر و نیاز بسیار می‌فرستند و فخر است که بعد از موت در این اراضی مدفون شوند، چنانکه نعش آقا محمد خان را به کربلا برده مدفون ساختند.» (ملکم، بی تا: ۱۹۸ / ۲).

واژه مشروطه

در نوشته‌های پژوهشگران تاریخ نوین ایران و ترکیه واژه «مشروطه» به عنوان معادلی برای واژه انگلیسی CONSTITUTIONALISM (کنستیتوشنالیزم) یا حکومتی که بر شالوده قانون اساسی و نظام پارلمانی بنیاد شده باشد به کار برده شده است. این دو واژه «مشروطه و مشروطیت» به آن نظام حکومتی اطلاق می‌گردد که پس از انقلاب سال ۱۳۲۴ ه.ق / ۱۹۰۷ م پدید آمد. در کشورهای عربی واژه «دستور» و در هند و پاکستان لغت «آیین» که هر دو فارسی هستند به جای لفظ کنستیتوشن انگلیسی و یا کنستیتوسیون فرانسه به کار رفته است. در ترکیه عثمانی از چندی پیش از اعلام مشروطه ۱۲۹۳ ه.ق / ۱۸۷۷ م واژه مشروطه در پیوند با حکومتی به کار برده می‌شد که بر اساس قانون اساسی پایه گذاری شود. هم‌زمان با به کار بردن این واژه، واژه‌های مترادف دیگری نیز در